

گفت‌و‌گو با ملیحه سعیدی نوازنده و مدرس قانون

آ ن‌روزها هنوز قانون به زادگاهش بازنگشته بود و در هنرستان و دانشگاه هم آن را سازی عربی می‌دانستند. سازی که روزگاری در ایران زاده شده بود، از خانه بیرون افتاده و روزگار سخت، با این ساز هم همان کرده بود که با بریط(عود). برای ملیحه سعیدی، همان یک‌بار که صدای قانون را از پشت پنجره هنرستان شنید، کافی بود تا برای همیشه دنباله این صدا را بگیرد و تمامی عمر و زندگی‌اش را به آن مشغول کند. همسرش (احمد ستوده) که او را عاشقانه می‌ستود، وقتی شوق وافر او را دریافت، شغلش را به کناری نهاد و به ساختن قانون روی آورد و بیش از ۱۲۰ نوع ابداع و تغییر در این ساز به وجود آورد. او ساز اولی را که ساخت به همسرش تقدیم کرد و پس از مرگش وقتی همان ساز شکست، نامه تعبیه شده در آن ساز قصه عاشقانه را تکمیل کرد.

ملیحه سعیدی که قانون را با تمام ۱۰ انگشتانش می‌نوازد، صدایی از آن بیرون می‌کشد که دیگر آن تم عربی گذشتگان را ندارد و نوایی ایرانی از آن به گوش می‌رساند که حتی فرامرز پایور او را نوید به پا گذاشتن در راه بزرگان داده. او این روزها پرکارتر از همیشه ظاهر شده و همزمان در تدارک ارائه دو سی‌دی از موسیقی‌های جاودان سینما (پاپیون و…) و آهنگ‌های کلاسیک به وسیله قانون است به نام‌های «عاشقانه‌های سینما» و «در خاطرت می‌ماند». چند ماه پیش هم از سوی انتشارات سروش موسیقی دستگاهی «سبزه ریزه‌میزه» را برای کودکان با صدای حمید جبلی روی شعرهای مصطفی رحماندوست عرضه کرده بود. که امیدوار است این کار را برای همه هفت دستگاه موسیقی ایرانی به سرانجام رساند. او خود می‌گوید این تنها یک‌قدم در جهت پر کردن خلئی است که همیشه در حوزه موسیقی کودکان و موسیقی دستگاهی احساس می‌شده.

ملیحه سعیدی

–گویا در پی این هستید که یک گنجینه‌ای از موسیقی دستگاهی برای کودکان ایجاد کنید؟

بله، برای کودک و نوجوان داریم کاری به صورت انیمیشن انجام می‌دهیم. من موسیقی را آماده می‌کنم بعد برایش انیمیشن مناسب را می‌سازند.

–چه شد که سراغ کار کودک رفتید؟

فکر می‌کنم باید برای هر قشری و هر تنبی از جامعه موسیقی خاص خودش وجود داشته باشد. ما در زمینه موسیقی کودک خیلی مهجوریم؛ داشته‌های کافی نداریم. بچه‌ها از کودکی باید موسیقی را یاد بگیرند و آموزش ببینند. موسیقی‌ای که مثلاً بتواند چنین شناختی داشته باشد و بعد به زبان خود کودک باید صحبت کرد، موسیقی دستگاهی خودمان را به زور نمی‌توانیم به خورد بچه‌ها بدهیم. بچه هنوز آفندر رشد نکرده که بتواند همه موسیقی دستگاهی خودمان را درک کند. به خاطر این که می‌گویم برای کودک باید موسیقی خاص خودش نوشته بشود و اجرا شود. برای نوجوان همین‌طور، برای جوانان همین‌طور، میاسال همین‌طور، برای افراد مسن هم همین‌طور.

–یعنی برای موسیقی تکنیک سنی قائلید؟
خب، شاگردهای دارم که ۱۵، ۱۶ ساله هستند ولی فوق‌العاده گرایش به موسیقی ردیفی و دستگاهی دارند در صورتی که فهمش برای این سن خیلی ثقیل است. این رشد روحی آنهاست. معمولاً روح آدم که رشد می‌کند زودتر از زمان معمول یک چیزهایی را قبول می‌کند. من همیشه این‌جوری بودم.

–چندی پیش آقای رحماندوست در جشنواره‌ای اعلام کرد کاش کار موسیقی دستگاهی برای کودکان هم انجام می‌شد. آیا این کار شما با آن ایده و جرقه شکل گرفت؟
من در چهاردهمین جشنواره صدا و سیما در اصفهان جژه دورها بودم و با آقای رحماندوست آنجا آشنا شدم. من خودم همیشه گفته‌ام برای هر قشری موسیقی خاص خودش باید تولید شود ولی هیچ وقت برای موسیقی کودک شعری مناسب نیافتم. اینقدر درگیری کاری داشتم که زیاد جدی پیگیری نکردم. آنجا که با ایشان آشنا شدم و صحبت کردیم، گفتم اتفاقاً من آرزو دارم چنین کاری انجام بشود. این‌طور شد که همکاری را شروع کردیم.

–چه مدت طول کشید؟

ایشان ۶۷ تا شعر به من دادند، من از توی آنها ۱۳ تا را انتخاب کردم و رویشان موسیقی ساختم. البته خرداد پارسل آماده بود که شش، هفت ماهی معطل‌مان کردند. وضعی بود. بعد از هفت، هشت ماه انتظار الان چهار ماه هست که کار منتشر شده است.

–یعنی از آن موقعی که آقای رحماندوست این پیشنهاد را به شما داد تا این سی‌دی آماده بشود؟

بله. دو سال و خرده‌ای طول کشید. تقریباً سه سال. **–چه مدت آهنگسازی خودتان طول کشید؟**
ببینید من نمی‌نشینم که یعنی حالا آهنگ بنویسم و بسازم. من شعر را می‌خوانم و آفندر با آن ارتباط برقرار می‌کنم که ملودی ناخودآگاه به ذهنم می‌آید. وقتی حال موسیقایی‌اش آمد، فوری ضبطش می‌کنم. بعد می‌نویسم.

ملیحه سعیدی نوازنده و مدرس قانون

گفت‌و‌گو با ملیحه سعیدی نوازنده و مدرس قانون

هزار گیسوی شنیدنی



ملیحه سعیدی نوازنده و مدرس قانون

–مطلبی هم در مورد وهم و الهام در هنر نوشته بودید.

–که یک موزیسین در مورد وهم و الهام حرف زده و نشان داده خودش هم متأثر از این حالات روحانی و روحی است.

بله. موسیقی همین‌طور است. باید همین‌طور باشد وگرنه اثر گذار نیست. موسیقی اگر خود آدم را متأثر نکند، نمی‌تواند روی کسی تأثیر بگذارد. اصلاً امکان ندارد.

–شما موسیقیدانی بودید که همواره آثار فولکلوریک‌تان خیلی مطرح بوده و الان البته زمان زیادی می‌گذرد. نزدیک ۱۰ سال. چه شد که موسیقی فولکلوریک را ادامه ندادید؟

من در همه زمینه‌ها دستی دراز کرده‌ام؛ کودک، فولکلور و موسیقی اصیل و کلاسیک سنتی خودمان. می‌خاستم اتفاقا ادامه بدهم ولی با مشکلاتی روبه‌رو شدم و ادامه ندادم.

–چه مشکلی؟

می‌گفتند صدای خانم خیلی رو هست در صورتی که کار مخوانی بود. یکی با خانم بری زنگنه بود «هزار آواز»، سه تا هم که با خانم جورش خلیلی، «آ‌ای روستا»، «ن‌وای قریه» و «آ‌هوی وحشی».

–با اینکه مجوز گرفته بود و به صورت همخوانی اجرا شده بود؟

بله. **–آیا کار جدیدی برای موسیقی فولکلوریک در دست دارید؟**

بله، من باز هم در این زمینه کار دارم که بخواهم انجام بدهم. خیلی! چون خیلی به آن علاقه دارم.

–کشفی هم کرده‌اید؟ پیش آمده که کارهایتان بر اثر کشف به دست آمده باشد؟
نمی‌توان گفت اینها کشف بوده. فولکلوریک است دیگر! اما گاهی شده رقص به شهرستانی مثل ماسوله، دیدم یک نفر تو بازارش نشست و دارد آهنگی را زمزمه می‌کند. فوری این را ضبط کردم. پرورشش دادم. آن موسیقی فولکلور بوده و متعلق به همان محله. دیگر مال من نیست و من در حقیقت شاخ و برگ به آن اضافه می‌کنم؛ از نظر تنظیمش و از نظر ملودی‌هایی که لایه‌ای آن می‌گذارم.

–آیا در خارج از کشور کنسرت برگزار می‌کنید؟

خارج از کشور کنسرت می‌دهم، خیلی استقبال می‌کنند. آخرین کنسرتی که دادم ایتالیا بود. اتفاقاً رئیس یونسکو آمده بودند. آمدند ساز من را هم دیدند، خیلی هم خوش‌شان آمده بود. **–آیا ساز قانون ثبت جهانی شده است؟**
به نظر منیازی نیست که قانون ثبت جهانی بشود.

–به عنوان میراث هنری کل دنیا نه ایران، نه کشورهای خلیج فارس…

اصلیت ساز قانون ایرانی است. از زمان آشور نمونه‌هایی بوده. البته نه این قانون به شکلی که الان هست.

–یعنی قانون در گذر زمان تغییر شکل داده؟

بله. این روزها به همراه ۱۵ نفر از هنر جوها و دانشجوهایم کاری اجرا کرده‌ایم به اسم «هزار گیسو». صد سال قانون‌نوازی را هم در

ملیحه سعیدی نوازنده و مدرس قانون در حال نوازدن ساز قانون

سال پنجم ■ شماره ۱۰۰۱ ■ پنجشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۹

موسیقی ۱۹



ملیحه سعیدی نوازنده و مدرس قانون

و بشنودیم) که یک نمونه از کارهای قدیمی‌ها هم درش هست)، می‌بینید که تفاوت این سبک‌ها چیست.

–پس الان کتاب در دست کار دارید و سه تا سی‌دی؟

بله، الان دانشگاه جامع علمی کاربردی سه جلد کتاب را دارد چاپ می‌کند به عنوان کتاب درسی دانشگاه، و کتاب ردیف هم هست که آن را هم قرار است چاپ کنند. اصلاً به نظر من هر چقدر کار بکنید تمامی ندارد، موسیقی انتهایی ندارد و باید کار کرد دیگر. تفریح من کار است. **–اشاره به آ‌ی‌ان داشتید که رده‌اصلاً هم موسیقی را روی قانون، ایرانی کردید.**

بله. اصلاً ردیف را روی قانون پیاده کردم.

–پیشتر از شما زنده‌یاد خانم آقارضی هم روی ساز قانون و ردیف موسیقی ایرانی کار کرده‌اند.

–یعنی همین دلیل باعث شد خودتان کتاب را چاپ کنید؟

–حالا چه؟ آیا حمایتی از کارهایی که پیشتر توضیح دادید، می‌شود؟

خیر. موضوع ردیف را با آنها در میان گذاشتم و صحبت کردم. انجمن موسیقی و خانه موسیقی نامه نوشتند که حمایت صورت گیرد اما ن‌شد.

–علت اینکه حمایت نکردند چه بود؟

این جور کارها به بودجه نیاز دارد اما احتمالاً بودجه تخصیص نمی‌دهند. ببینید من الان در هنرستان موسیقی تدریس می‌کنم. دانشگاه هم درس می‌دهم. حقوق‌ها را نامنظم پرداخت می‌کردند، در صورتی که شاید یکی نیاز داشته باشد و حقوقش را ماه به ماه بخواهد. پنج سال هم مدیر هنرستان بودم. تمام مدت باید می‌جنگیدم. بودجه تخصیص می‌دادند ولی معلوم نبود کجا خرج می‌شد. جای دیگر خرج می‌شد. خب اینها همه تأثیر گذار است.

هنوز هم موضوع روال است. ولی خب من آن موقع خیلی سعی می‌کردم این اتفاق نیفتد. به اندازه یک‌سوم حقوق معلم‌ها را از مبلغ ثبت‌نامی که اولیا می‌پرداختند تأمین می‌کردم. مثلاً فکر کنید من که مثلاً درجه دکترا داشتم از ارشاد ساعتی سه هزار تومان دریافت می‌کردم. آیا این درست است؟ همیشه این‌طور بوده که موسیقی زیر سوال بوده، با این وجود تمام این استادهایی که الان فعالیت می‌کنند به خاطر عشق و علاقه‌شان می‌آیند و اصلاً مساله مادی آنجا مطرح نیست. منی که هفته‌ای دو روزم را می‌گذارم و می‌روم هنرستان، به چه دلیل می‌روم؟ چون شاگرد تربیت شود و این ساز حفظ شود.

–آیا تاکنون اثری که صرفاً آموزشی باشد ارائه داده‌اید؟

قصد داشتم این کار را بکنم ولی زورم نمی‌رسد. من از این کار سبزه ریزه میزه هیچی برام نم‌اند. آقای جبلی هم دنبازی از من نگرفتند و افتخاری کار کردند. آن وقت در جلدی که برای سی‌دی تهیه کرده‌اند نه بیوگرافی‌ها را گذاشتند نه معرفی‌ها را. در صورتی که دختر من همه اینها را طراحی کرده بود. یک نوشته برای کودک داشتم خطاب به پدر مادرهایشان. تشکری از آقای جبلی بود و از کسانی که می‌خواستیم در برنامه‌ها بود و که منتشر شد خیلی حقیرانه بود. این سی‌دی سفارش همان جشنواره صدا و سیما بود.

واکنش به گفت‌و‌گوی «شرق» با فرید یداللهی اندکی به خود بیاییم

گفت‌و‌گو با فرید یداللهی نوازنده سازهای کوبه‌ای که در روز سه‌شنبه به تاریخ ۲۸ اردیبهشت در صفحه ۱۱ روزنامه «شرق» چاپ شد، بازتاب‌های فراوانی داشت و پاسخ‌های بسیاری گرفت. گروهی تا روزها بعد به دفتر روزنامه زنگ زدند، جمعی شخصاً به دفتر روزنامه آمدند و بخشی پاسخ‌های مکتوب خود را فرستادند. صفحه موسیقی روزنامه «شرق» بر آن نبوده و نیست که با انتشار مطالبی از این دست– که صرفاً موضعی متفاوت دارند –باب جدل‌های شخصی را بگشاید؛ بلکه می‌کوشد در گفت‌و‌گو افکار متفاوت و صداهای گوناگون را باز کند. صفحه موسیقی ناچار بود از میان بازتاب‌های بسیار فقط یکی را برگزیند. ملاک انتخاب در نهایت، تقدم مطلب شد. پس اولی را اختیار کردیم و توضیح اینکه مطلبی را که خواهید خواند نیز به عنوان نظری متفاوت بنگرید نه پاسخ.

فرید یداللهی نوازنده سازهای کوبه‌ای

جناب آقای یداللهی در گام نخست توضیح اینکه اصول تربیتی ایرانیان اجازه نمی‌دهد در راه کسب افتخارات، پایمان را بر شانه بزرگان نهاده و از ایشان ن‌رذیانی جهت صعود خود بسازیم. ایرانیان پیوسته در سایه بزرگان هنر و ادب خویش قلمه‌های افتخار را طی کرده‌اند. – تعادل و توازن در دست‌ها و نیمکره‌های چپ و راست مغز دیدگاهی است تکراری و متعلق به شما نیست. این مطلب سال‌هاست در قطعه گفت‌و‌گوی چپ و راست استاد بهمن رجبی اجرا شده و حتی در آ‌تودهای ابتدایی و خارج از کتاب استاد تهرانی نیز تدریس می‌شود. –فرموده‌اید در جشنواره‌های رقابتی نوازندگان شرکت‌کننده از داوران برتر بوده‌اند و این یک فاجعه است. به نظر شما این فکر که نوجوانان و جوانانی از سننن ۸ تا ۲۱ سال در مقابل داورانی که دو تا سه برابر سن آنها سابقه کار دارند، برتر هستند، فاجعه‌بار نیست؟

– دربارہ کارت صلاحیت تدریس واضح‌تر توضیح می‌دهم: این کارت را پس از اینکه یقین حاصل کردند که آ‌زمون‌شونده می‌تواند پاسخ سوال‌های (به نظر شما) خنده‌داری از قبیل سیاه چیست و… را برای یک شاگرد از هر گروه سنی به وضوح توضیح دهد، صادر می‌شود. نه برای کسانی که مدعی هستند کتاب استاد تهرانی را ۱۰ یا ۱۲ سال است تدریس می‌کنند و هنوز نمی‌توانند تمرین شماره ۴۸ آن کتاب را با صدای بلند شمرده و همزمان اجرا کنند.

یا در جواب اینکه نت گرد چند ضرب است هنوز می‌فرمایند چهار ضرب.

– سردمداران کتاب استاد تهرانی خیر. سردمداران تمام مکاتب با اصل و نسب هنری و حتی از دیدگاه عامیانه در فرهنگ ما ایرانیان می‌گویند هر چیزی بعد از چله‌اش دچار دگرگونی چشمگیری می‌شود. بهتر است گوش‌هایمان را بشوئیم، می‌گویند کتاب اگر بعد از ۴۰ سال تجربه و ممارست تألیف و منتشر شود اثری است ارزشمند.

– باید هم کتاب استاد حسین تهرانی را مرجعی برای آموزش تمبک به حساب آورد به این دلیل: در زمانی که هیچ متدی برای ساز تمبک به صورت آکادمیک موجود نبود کتاب مذکور با تلاش بزرگانی که نام آنها زیور جلدش شده منتشر شد و معلمانی هم که حتی با این متد آشنا نبودند مدعی تدریس این کتاب بوده و هستند. چون بیشتر متقاضیان فراگیری ساز تمبک با شنیدن نام استاد تهرانی ثبت نام کرده و مشغول به کار می‌شدند و تا این تاریخ بالغ بر ۱۰۰ هزار نسخه از این کتاب منتشر شده است.

– فرموده‌اید استاد تهرانی نه‌های کتاب را خود نوشته چون با علم نت‌نویسی آشنا نبوده. این مطلب کشف بزرگی نیست. بر هیچ کس پوشیده نیست که استاد تهرانی تمرین‌ها را اجرا می‌کرده و استاد هوشنگ ظریف آنها را به خط نت تبدیل می‌کرده‌اند و بعد در شورایی به همراه استاد دهلوی، استاد فخرالدینی و استاد پورتراب مورد بررسی نهایی قرار داده و علامات خاص را با تشریک مساعی انتخاب می‌کردند. لازم به تذکر است که این کار در آن زمان که امثال بنده و شما به دنیا نیامده بودیم کاری بوده پس بزرگ.

– در اینجا متذکر شوم. در کتاب استاد در صفحه ۹۲ زیر شکل تمبک نوشته «نندازه‌های تمبک از کستر» و در صفحه ۹۴ درست زیر شکل تمبک نوشته «نندازه‌های تمبک نکت‌نواز». اگر عادت کنیم با چشمانی باز لبخند بزینم خود را از چاله ایرادات بنی‌اسرائیلی می‌رهانیم. خاطرنشان می‌کنیم صداهای ساز: تمبک وابستگی صد در صد به نوع تراش و حالت‌های درون کاسه تنه آن دارد. برای اشخاص با سبازهای مختلف می‌توان از اندازه‌های دیگر هم استفاده کرد و این اصلاً خنده‌دار نیست. فرض بفرمایید کتاب ۲۷ یا ۲۹ سانی جناب‌عالی را هنرجویی هشت‌ساله دست بگیرد. این پذیرفتنی نیست.

– فرض بفرمایید در چهل و اندی سال پیش استاد تهرانی برای اولین بار در یک متد آموزشی برای ساز تمبک طبق نوشته‌هایشان تمرین می‌دادند. آن وقت آنچه بر سر هنر جوان این رشته می‌آمد گفتنی بود و شنیدنی. باز هم متذکر می‌شوم با مطالعه بهتر کتاب استاد تهرانی و کتاب استاد اسماعیلی متوجه خواهید شد کتاب استاد اسماعیلی که بسیار فنی‌تر و ادامه راه ناچار به تغییر روش نشوند. البته تمامی شاگردان مکتب استاد تهرانی از اولین درس کتاب اول تا آخرین جلسه حضور شاگرد در کلاس چه در کتاب اول و چه در کتاب دوم ادامه دارد. با تأکیدی چندباره خاطرنشان می‌سازم روی جلد کتاب استاد تهرانی نوشته شده «آموزش تمبک»، نه آموزش هم‌والی.

– فرموده‌اید اگر مانند ۴۰ سال پیش به بیمار تزریق کنیم، او را می‌کشیم! با اینکه این مطلب ربطی به موضوع کتاب و کتاب استاد تهرانی ندارد، لازم است بدانیم محل استقرار وریدها و عضلات بدن انسان از ۴۰ سال پیش تاکنون تغییری نکرده. راجع به مد فرموده‌اید اگر مانند ۴۰ سال پیش لباس ببوشیم مورد تسخر قرار می‌گیریم. مگر شما نمی‌دانید تمامی مد‌ها یک بنا اجازه دست بردن به نما و زیربنا داده نمی‌شود. به راستی شما شاگرد کسید؟ حتی استانان شما هم توسط استاد حسین تهرانی آموزش دیده‌اند. استاد اسماعیلی توسط استاد تهرانی. استاد رجبی شاگرد استاد افتتاح و استاد افتتاح شاگرد هوشنگ مهرورزان و استاد مهرورزان شاگرد استاد تهرانی بوده‌اند. اینان با تعلیم گرفتن همان کتابی که شما سراسر اشکال می‌نامید به مقام استادی رسیده و از نوازندگان بی‌نظیر این ساز بوده‌اند. آستر پیر خودبزرگ‌گبینی یا ما چه می‌کنم؟

– فرموده‌اید عامل زمان را دلیل رکود و ضعف کتاب استاد تهرانی نمی‌دانید! فقهیدیم در علم جدید امر تیراژه‌س یا شش هزار نسخه در هر سال یعنی رکود.

– هیچ کس اضری را بر سر اولویت کتاب استاد تهرانی بر دیگر کتاب‌ها ندارد. وقتی مدعی تدریس این کتاب می‌شوند باید جدی امتحان شوند. در آ‌زمون‌ها شما هر کتابی را که درس گرفت‌اید امتحان کنید اما ن‌شود و فقط قسمت‌های تئوری که جنبه عمومی دارد از همه به یک طریق سوال می‌شود.

– گفت‌اید با کمال احترام این کتاب حتی در زمان خودش هم علمی نوشته نشده. توجه کرده‌اید شما در کمال احترام با رها کردن استناد این سرزمین را شکسته‌اید.

– گفته‌اید این کتاب ۶۰ غلط املایی دارد. کائن این دقت نظر را در گفتار پنجم کتاب نیز به کار می‌بردید.

– گفت‌اید این کتاب با کار یک نفر غیرمتخصص بوده یا یک گروه غیرمتخصص. لابد از نظر شما آن یک نفر استاد تهرانی است و آن گروه آقایان دهلوی، ظریف، فخرالدینی و پورتراب هستند.

– گفته‌اید با گاینتی ۲۰۰ سال پیش کارپرس‌هایش را نوشته و هنوز نوازندگان ویولن به اجرای آنها افتخار می‌کنند. کاش مویی از آن نوازندگان هم بر تن ما بافت می‌شد.

– راجع به سیستم سه خطی و یک‌خطی بگویم. نت‌ها فواصل زمانی و متغیری هستند نتیجه زجرهایی است که بزرگانی چون تهرانی‌ها در راه اعتلای موسیقی ملی‌مان متحمل شده‌اند. اندکی به خود بیاییم. ما نوازنده سازی شده‌ایم که زیربنای وجودی آن را نغی کرده و آرام‌آرام نقطه صفر و ثقل آن را خود می‌بینیم. شباهی که خود را محصور چارچوب‌ها نمی‌لید!‌ای کاش دانش‌پدران خود هشتاد و پنج سال پیش می‌توانید آن یک خط را هم برارید و در دفتر نقاشی تن‌هایتان را بنویسید. اگر زمان فرموده شما سیستم سه‌خطی هنر جو را درگیر بالا و پایین بودن تن روی خط می‌کند، پس لطفاً فکری برای هنر جوانان سازهای دیگر نیز بکنید چون آن بخت‌برگشتگان با پنج خط حامل سر و کار دارند.

– آقای یداللهی! به یاد داشته باشید کتاب استاد تهرانی توسط گروهی از بزرگان موسیقی ایران به طبع رسیده. اگر امروز کودکانی از جنس ما خود را بر کرسی استادی بنشسته می‌بینند، نتیجه زجرهایی است که بزرگانی چون تهرانی‌ها در راه اعتلای موسیقی ملی‌مان متحمل شده‌اند. اندکی به خود بیاییم. ما نوازنده سازی شده‌ایم که زیربنای وجودی آن را نغی کرده و آرام‌آرام نقطه صفر و ثقل آن را خود می‌بینیم. شباهی که خود را محصور چارچوب‌ها نمی‌لید!‌ای کاش می‌دانستید درون حصار خودبینی، ما خود را آزاد و رها از هر قیدی می‌بینیم و می‌باییم می‌بینید هنر واقعی با انسان چه می‌کند. هر هنرمند راستین در چه دیداری سیر می‌کند ما باقیان‌هایی هستیم که درخت پیر موسیقی را به بهانه تازه نگه داشتن از ریشه می‌زنیم.

«نوازنده و مدرس تمبک